

تقدیم به مادرم

برای زحمات بی دریغش در زندگی و
کمک ارزنده‌ای که در ویرایش این

چه کسی پنیر مرا برداشت؟

یک روش جالب برای مقابله با
تغییرات در زندگی شخصی و کاری

اسپنسر جانسون

مامک بهادرزاده



تعاریف

چه کسی پنیر مرا برداشت؟

«هر از گاهی کتابی منتشر می‌شود که دری را به روی آینده می‌گشاید. این کتاب چنین تاثیری روی من داشت.»

«دیوید آ، هنان، عضو کمیسیون مرکز مدیریتی پیتر اف. دروکر.»
«به مجردی که مطالعه این کتاب را به اتمام رساندم، چند نسخه از آن را سفارش دادم تا در رویارویی با تغییرات سختی که در زندگی با آنها مواجه می‌شدیم به کمکمان آید. از بودن در گروه‌های مبادلاتی گرفته تا توسعه بازارهای جدید.»

«جان بکنز، متخصص بخش اثربخشی عملکردهای موسسه ویرپول»
«می‌توانم خودم را مجسم کنم که در اتاق نشیمن منزل مان در کنار آتش گرم و شعله‌ور بخاری، با فرزندان و نوه‌هایم دور هم نشستیم و من مشغول خواندن این کتاب برای آنان هستم. می‌توانم برداشت‌های آنان از کتاب را به خوبی پیش چشمانم ترسیم کنم...»

«ال تی. کل. واینی واشر، مرکز مطالعات هوانوردی، پاترسون ای. اف. بی.»
«تصاویر ذهنی و شبیه‌سازی‌های فریبنده دکتر جانسون به همراه زبان گویایش در این داستان، حقیقتاً عمق اصلی و شیوه ماندگار مدیریت تغییرات را به ما نشان می‌دهد.»

«آلبرت جی. سیمون، رئیس انجمن انستیتوی تکنولوژی راجستر»
«درون‌نگری، داستان‌سرایی و دیدگاه‌های منحصر به فرد دکتر جانسون، کتاب او را به معدود کتاب‌های نادری شبیه می‌سازد که به راحتی و با سرعت، توسط کلیه افرادی که در این دوران پر تغییر خواستار عملکرد درستی هستند، خوانده و درک شود.»

«رندی هریس، نایب رئیس پیشین دادگاه بین‌المللی مریل»
«این کتاب نقشه ساده و قابل فهمی از مسیرهاست که وقتی ما در زندگی شخصی مان با تغییرات سروکار داریم، به کمکمان می‌آید.»

«مایکل مورلی، نایب رئیس ارشد کارخانه کداک»
«این کتاب عالی، برای هر شخص یا شرکتی که درس‌هایش را به کار ببندد، به منزله نوعی دارایی است.»

«جان آلوپینو، نایب رئیس ارشد موسسه سازنده زیراکس»

«چه کسی پنیر مرا برداشت؟»

یک روش جالب برای مقابله با تغییرات در زندگی شخصی و کاری

داستان «چه کسی پنیر مرا برداشت؟» تمثیل بسیار ساده‌ای است که حقایق عمیقی را در مورد تغییرات بازگو می‌کند. یک داستان سرگرم‌کننده و هدایتگر است از چهار شخصیت که در یک «میز» به سر می‌برند. آنان در جستجوی پنیری هستند که شکمشان را سیر کرده، خوشحال‌شان سازد.

دو تا از آنان موش‌هایی هستند به نام‌های اسنیف و اسگری و دو شخصیت دیگر، دو آدم کوچولوپند. که هم‌قد و اندازه موش‌ها، اما اعمال و رفتارشان شبیه آدم‌هاست. اسامی آنان، هم و هاو است.

«پنیر» در اینجا استعاره است برای آن‌چه شما در زندگی خواستارش هستید چه یک شغل خوب باشد، یا یک ارتباط عاشقانه درست، یا پول و دارایی، و یا رفاه و سلامتی و آسایش روحی.

و «میز» مکانی است که شما در آن به دنبال آن‌چه در زندگی خواهانش هستید می‌گردید. تشکیلاتی که در آنجا مشغول به کارید، و یا خانواده اجتماعی که در آن زندگی می‌کنید.

در این داستان، قهرمانان ما با تغییرات ناخواسته و غیر منتظره‌ای برخورد می‌کند. سرانجام یکی از آنان به موفقیت با مشکل کنار می‌آید، و تجربیات به دست آورده‌اش را بر دیوارهای میز می‌نویسد.

وقتی شما به دیدار نوشته‌هایش می‌روید. به هر شکلی که آن نوشته‌ها را